



مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

معاونت آموزش

مدیریت امتحانات

بسمه تعالی

**امتحانات تجدیدی - مرداد ۱۳۸۸**

*	*

شماره پرونده:

پایه :	۹	موضوع :	فلسفه ۲
تاریخ :	۸۸/۵/۲۰	ساعت :	۱۶
نتیجه:	به عدد	به حرف	
بازبینی:			

نام پدر :

نام خانوادگی :

نام :

صادره :

ش . شناسنامه :

متولد :

مدرسه محل تحصیل :

شهرستان :

نام کتاب: نه‌ایة الحکمة، از اول مرحله پنجم تا پایان مرحله هفتم

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. «شکل» عبارت است از .....

أ. سطح جسم

ب. حدود محیط بر جسم

ج. مجموع سطح و حدود محیط بر آن

د. هیئت حاصل از احاطه حدود بر سطح یا جسم

۲. مقوله این در «الکون فی المكان» و «الکون فی الهواء» و «کون هذا فی هذا الوقت» به ترتیب عبارت است از .....

أ. شخصی - نوعی - جنسی  ب. شخصی - جنسی - نوعی  ج. جنسی - نوعی - شخصی  د. نوعی - جنسی - شخصی

۳. مراد از ماده بودن نفس نسبت به صور معقوله چیست؟

أ. نفس مجرد، قوه و استعداد قبول صور معقوله را دارد

ب. نفس بواسطه حرکت متلبس به صور معقوله می شود

ج. نفس محل صور معقوله است

د. اشتداد وجود مجرد نفس بدون تغییر مادی و اتحاد او با عقول فوقش

۴. علت جوهر بودن صور نوعیه چیست؟

أ. مقوم جوهرند و مقوم جوهر باید جوهر باشد

ب. جوهر به حمل اولی بر آنها حمل می شود

ج. جوهر بر آنها و بر جسم یکسان حمل می شود

د. وقتی در خارج موجود می شوند نیازمند به موضوع نیستند

تشریحی:

۱. برهانی بر اثبات وجود ماده (هیولی) اقامه کنید.

۲. آیا در عدد، تضاد هست؟ چرا؟ توضیح دهید.

۳. با توجه به عبارت «العلم الذی هو من کیف مختص بذوات الأنفس. وأما المفارقات فعلومها حضورية غير حصولية» مقصود از «ذوات انفس» چیست؟ تفاوت علم ذوات انفس با علم مفارقات را بیان کنید.

\* «قيل: إنَّ الجسم مركَّب من اجزاء ذوات أوضاع لا تنقسم خارجاً ولا وهماً ولا عقلاً، وفيه: أنَّ الجزء المفروض إن كان ذا حجم كان له جانب غير جانب بالضرورة فيجرى فيه الانقسام العقلي».

٤. نظريه فوق و اشكال آن را توضيح دهيد.

\* «لا يقال: المادة واحدة بالعدد وصورة ما واحدة بالعموم والواحد بالعدد أقوى وجوداً من الواحد بالعموم ... فإنَّه يقال: وحدتها ضعيفة لكونها محض القوة، و وحدة الصورة - وهي شريكة العلة التي هي المفارق - مستظهرة بوحدة المفارق».

٥. اشكال و جواب فوق را كه درباره عليت صورت نسبت به ماده است، توضيح دهيد.

٦. مضاف حقيقي و مضاف مشهورى را با مثال تعريف كنيد.

٧. جوهر را تعريف كنيد. يك جوهر مجرد و يك جوهر مادى را نام ببريد.

٨. با توجه به عبارت «لا يقال: لو كان هناك هيولى هي استعداد وقوة جوهرى و جزء للجسم لبطلت بتحقق المستعد له. فإنَّه يقال: تبطل القوة المتعيَّنة والاستعداد الخاص والمادة على ما هي عليه من كونها قوة على الصور الممكنة» اشكال منكرين وجود مادّه يا همان هيولى و جواب آن را بنويسيد.

٩. با توجه به عبارت «إنَّ المتصل الوحدانى ما لم ينقسم لم يتحقق فيه كثرة وإذا انقسم بطلت جهة وحدته، فعلى كلِّ حال لم يتحقق شرط الحمل الذى هو كثرة ما مع وحدة ما» چرا بين اجزای متصل مقدارى (مثل خط) حمل صورت نمى گيرد؟ (ترجمه كافى نيست)